

اصلاح طلبی بومی



کوروش الماسی

محقق و پژوهشگر

ایران برای شهروندان با هر ویژگی و تفاوتی، همان سفینه فضایی برای فضانوردان است. ایرانیت بدون ایران بی معنی، ناممکن و غیر کاربردی است. بنابراین، هر شهروندی با هر جایگاه و تخصصی از جمله فعالان عرصه سیاسی، صاحب‌منصبان و کارگزاران مدیریت کلان سیاسی که به این درک ناآشنا نشده باشند که سلامت، امنیت، توسعه و...

ایران والا و بارزترین هدف اخلاقی، سیاسی، امنیتی، دفاعی و... است، آنگاه درکی کاربردی از شهروند بودن و افعال و اهداف سیاسی دریافت نکرده است. «ایران حال خوشی ندارد.» اینکه تداوم شرایط نامطلوب موجود به‌طور اجتناب‌ناپذیری «ایران را به کما» خواهد برد. سلامت ایران مستلزم تغییر مسیر روند امور کلان است. یقیناً، بحث پیرامون تغییر روند امور کلان، بسیار فراتر از توان و مجال این موضوع است. بنابراین، در این موج تلاش می‌شود تا به‌طور کلی و مختصر به یک راهکار، «اصلاح طلبی بومی» اشاره شود. در راستای ارائه «اصلاح طلبی بومی»، مفهوم «اصلاح» به اختصار تبیین می‌شود. اصلاح؟ مفهوم «اصلاح» به کلی‌ترین بیان یعنی حفظ ساختار و تغییر و کاربردی کردن برخی اجزا یا عناصر ساختاری. در «اصلاح طلبی بومی»، «ایران» ساختار تلقی می‌شود و

حاکمیت (انواع کارگزاران و نهادها)، اقتصاد، نظم حقوقی، انواع اعتقادات زمینی و آسمانی، روابط خارجه و... اجزا و عناصر ساختاری که به منظور پایداری ساختار (ایران) به ضرورت باید پیوسته به‌روزرسانی شوند، درک و در نظر گرفته می‌شود. مفاهیم تصاویر ذهنی جهان عینی هستند. به عبارتی، تصاویر ذهنی محصول تعامل انسان‌ها با محیط پیرامون است. اینکه فهم مجازی مفاهیم، تضمینی برای ارتباط با، یا حتی فهم عینی جهان پیرامون نیستند. بنابراین اولین گام به منظور خروج از بن‌بست رفتاری (سیاسی) عبور از مفاهیم ذهنی به جهان واقعی است، چراکه، مفاهیم بدون داشتن ریشه در تعامل با محیط پیرامون، رویاهای آذغان آشفته، غیرصادق، متناقض‌پسند و تاریخی است. اینکه، «فهم کاربردی مفاهیم به ضرورت باید منجر به عمل شود.» عمل به معنی تغییر، هدایت و کنترل شرایط و پدیده‌های انسانی و اجتماعی است. ظاهراً، روشن ذهن‌ها (روشنفکران) در کشورهای در حال توسعه، رابطه علت و معلولی، مفاهیم به جهان عینی را به درستی دریافت نکرده‌اند. به عبارتی، به ویژه، در یک قرن اخیر، پذیرش و تعلق خاطر به مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، حاکمیت قانون، لیبرالیسم، سوسیال دموکراسی و... و گام‌ها و نشانه‌های روشن‌ذهنی (روشنفکری) تلقی شده است، اما شکلی (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) این پرسش را مطرح نکرده و نمی‌کند که چرا با وجود انبوهی از روشن‌ذهن‌ها یا روشن‌فکران، در برخی کشورهای در حال توسعه، «پدیده انقلاب» رخ می‌دهد؟ یا با وجود انبوهی از روشن‌ذهن‌ها در مصر، تونس و... «پهار» رخ می‌دهد؟ یا چرا با وجود انبوه روشن‌ذهن‌ها در عراق، سوریه، افغانستان و... این کشورها سرنوشت چنین فلاکت‌باری نصیبشان شده است؟ چرا در برخی کشورها از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس که روشن‌ذهنی و روشنفکری یک کلای نایاب است، «هیچ پهنان یا انقلابی» رخ نمی‌دهد؟ «شاید» روشنفکران یا روشنفکران کاربردی، ریشه در فهم جهان عینی و نه فهم برخی مفاهیم وارداتی دارد. به عبارتی، فهم جهان عینی و نه فهم مفاهیم، مبنای کاربردی رفتار انسانی در عرصه‌های گوناگون از جمله رفتار سیاسی است. ملزومات «اصلاح طلبی بومی»، روشن‌ذهن‌ها یا روشن‌فکران (فعالان سیاسی) میهن‌دوست باید اندیشه‌ها، راهکارها، طرح‌ها و تحلیل‌های خود را از جهان عینی (فقر، ناامیدی، خرافه پرانی، زوال اخلاق سیاسی، تخریب هویت ملی و...) و نه برخی مفاهیم وارداتی (آزادی، دموکراسی، لیبرالیسم و...) دریافت کنند. به عبارتی، اصلاحات باید مبتنی بر درک و تحلیل شرایط عینی کشور باشد. از اینرو، «هدف یا اهداف اصلاح طلبی بومی، معطوف به تغییر و بهبود زیست‌رومزه شهروندان و نه تحقق برخی مفاهیم مبهم وارداتی یا برگرفته از برخی کتب است.» بنابراین این اصلاح طلب بومی، مفاهیمی چون آزادی، دموکراسی، حاکمیت قانون، لیبرالیسم، سوسیال دموکراسی و... را که در کشورهای در حال توسعه «عامل سردرگمی و تفرقه میان روشنفکران» است و نتیجه توقف توسعه و برآوردادن منابع ملی می‌شود، را «طاعان تلخ» در برزخ قرار می‌دهد. به عبارتی، کیفیت زیست عینی بسیار نامطلوب شهروندان مینا یا خوراک اندیشه‌ها، طرح‌ها و راهکارهای «اصلاح طلب بومی» است، نه برخی مفاهیم وارداتی و انتزاعی. «اصلاح طلب بومی» تکلیف خود را با دو گانه منفعت فردی و منفعت عمومی (ملی) مشخص می‌کند. اصلاح طلب بومی، تحقق منفعت جمعی (ملی) را مقدم بر منفعت فردی یا جناحی می‌پندارد، چراکه عرصه و فعالیت سیاسی و حکمرانی را مخالف و متفاوت از عرصه اقتصادی و تجاری که در آن افراد تنها به دنبال کسب سود فردی هستند، تلقی می‌کند. یکی از مزایای کاربردی عبور از مفاهیم به شرایط عینی، هر چیز از اتهام نفوذی بودن است. شاید صفت‌های سیاسی لیبرالیست، سوسیال دموکرات، آزادخواه، دموکراسی خواه یا هواداران این یا آن کشور شرقی یا غربی بودن، سیاست‌مهم کردن یکدیگر به عامل نفوذی بودن باشند، اما، چگونه می‌توان «اصلاح طلب بومی» را که می‌خواهند برای برطرف کردن فقر، ناامیدی، ناامنی، بی‌عدالتی، حفظ منافع و امنیت ملی و... تلاش کنند، را نفوذی تلقی کرد. اگر استدلال فوق پیرامون رابطه شرایط عینی و مفاهیم، منطقی تلقی شود، آنگاه اولین گام برای رستخیز عاشقان وطن به منظور چاره اندیشی برای انبوه و انواع چالش‌های اجتماعی و ملی «جمع‌پیرامون یک هدف مشترک» است. با توجه به شرایط عینی بر چالش و ناامیدکننده، هیچ هدف سیاسی؛ کاربردی، بارز و مشروع تر از «نجات و سلامت ایران» که در عالم هستی، وجود ندارد. به عبارتی هر هدفی بجز سلامت، ثبات، امنیت، توسعه و... ایران حاکی از آذغان آشفته، رویاپرداز، سوداگر، ضد ملی و... است.

محسن جلیوند در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

توافق با

«چراغ سبز آمریکا و ایران»

در دسترس شد

ظریف اجازه مذاکره مستقیم با آمریکا را داشت اما با قری ندارد

نقش روسیه در مذاکرات مانند نگاه املاکی است

روسیه با کارت ایران در مقابل غرب بازی می‌کند

ترامپ چماقی به دست بایدن داده که کار آمد است

تأثیر چالش‌های داخلی ایران و آمریکا در روند مذاکرات

ایران و آمریکا با زمان می‌جنگند

احتمال توافق موقت بیشتر از بلندمدت است

برجام ۲۰۱۵ به یک نوستالژی تبدیل خواهد شد

یکی از دلایل کندی مذاکرات عدم مذاکره مستقیم ایران و آمریکا است



آرمان ملی - احسان انصاری: اخبار امیدوارکننده از مذاکرات وین به گوش می‌رسد. اخباری که به رغم اینکه به صورت رسمی اعلام نمی‌شود اما نشان دهنده فضای مثبتی است که در مذاکرات شکل گرفته است. اینکه ایران و آمریکا مواضع خود را برای رسیدن به یک توافق تعدیل کنند نکته‌ای است که می‌تواند سرنوشت مذاکرات را رقم بزند. از سوی دیگر ایران به موازات برگزاری مذاکرات هسته‌ای، قرارداد ۲۵ ساله خود با چین را نیز آغاز کرده و سفر امیر عبداللّه‌یان به یکن را باید نقطه آغاز این قرارداد قلمداد کرد. به نظر می‌رسد دولت تلاش می‌کند با تلاش‌های چندجانبه اقتصاد ایران را از وضعیت بحرانی خارج کند. «آرمان ملی» برای بررسی این موضوع با دکتر محسن جلیوند تحلیلگر روابط بین‌الملل گفت‌وگو کرده است. جلیوند معتقد است: «محتمل‌ترین گزینه برای شرایط موجود یک توافق موقت است و این توافق نیز قریب‌الوقوع است. تنها در شرایطی که اتفاق خاصی رخ بدهد که در سرنوشت مذاکرات تأثیر بگذارد و آینده توافق را مخدوش کند می‌توان شرایط آینده را بیچیده ارزیابی کرد. نکته دیگر اینکه برجام نه ارتباطی به آینده سیاسی بایدن دارد و نه ژئوسی. برنامۀ مذاکرات با توجه به سیاست‌های استراتژیک یک دو کشور پیگیری می‌شود. تنها اتفاقی که در این زمینه رخ می‌دهد تغییر رویکرد است. تصمیم درباره آینده برجام یک تصمیم استراتژیک خواهد بود که توسط ساختارهای سیاسی در ایران و آمریکا گرفته می‌شود.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

روسیه در این مذاکرات چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

واقعیت این است که نقش روسیه در مذاکرات مانند نقش نگاه املاکی است. اگر آمریکا را فروشنده و ایران را خریدار یا به عکس در نظر بگیریم در این بین روسیه در حال دلای از این خرید و فروش است تا به سود بیشتری برسد. تلاش‌هایی که این کشور انجام می‌دهد نیز در همین راستا است. روسیه تلاش می‌کند معامله را به شکلی به بر گزار کند که در مرحله نخست حق دلای وی محفوظ باشد و سپس این معامله بین طرفین انجام شود. نقش روسیه نسبت به گذشته در مذاکرات پررنگ‌تر شده است. در گذشته ایران به صورت مستقیم با آمریکا مذاکره می‌کرد و به همین دلیل روسیه نمی‌توانست در این میانه منافع خود را جیسبت‌جو کند. این در حالی است که در شرایط کنونی مذاکرات با واسطه صورت می‌گیرد و به همین دلیل نیز روسیه تلاش می‌کند از این وضعیت به سود منافع خود استفاده کند. جان کری در کتاب خاطرات خود می‌نویسد: «در حین مذاکرات روزی من و ظریف در اتاقی نشسته بودیم در حالی که پای من شکسته بود. لاوروف وارد اتاق شد و خطاب به ظریف گفت: تو اصلاً اختیارات داری برای مذاکرات آمده‌ای.» این موضوع نشان می‌دهد که روسیه در گذشته به چه میزان از تصمیم‌گیری‌های برجام فاصله داشته در حالی که در شرایط کنونی به هماهنگ‌کننده مذاکرات تبدیل شده است. امروز موضع‌گیری‌هایی که اولیانوف در باره مذاکرات ایران مطرح می‌کند، خبرهایی که اولیانوف از مذاکرات منتشر می‌کند نه توسط رابرت مالی داده می‌شود و نه با قری و این نماینده روسیه است که عنوان می‌کند در مذاکرات چه اتفاقی در حال رخ دادن است. واقعیت این است که روسیه با کارت ایران در مقابل غرب بازی می‌کند.

سفر امیر عبداللّه‌یان به یکن قرارداد وین آغاز خواهد شد. ایران در این دو جبهه چه اهدافی را دنبال می‌کند؟

گمان می‌رود با سیاست نگاه به شرق فضایی به وجود خواهد آمد که فشارهای غرب نسبت به ایران کاهش پیدا کند. ژئوسی به‌زودی عزم روسیه خواهد شد که این سفر نیز دارای اهمیت زیادی است. نکته حائز اهمیت این است که هنوز جزئیات قرارداد ۲۰ ساله ایران و روسیه و ۲۵ ساله ایران و چین منتشر نشده و به همین دلیل نمی‌توان به‌صورت دقیق درباره آن اظهار نظر کرد. ایران به این نتیجه رسیده که باید به سمت شرق متمایل شد تا هم از ظرفیت‌های آنها استفاده کند و هم اینکه امکان ایستادگی در مقابل غرب فراهم شود. اینکه این رویکرد به چه میزان به نتیجه مطلوب نزدیک شود موضوعی است که به رفتار کشورهایمانند چین و روسیه بستگی دارد. در مقابل این دیدگاه برخی معتقدند اگر ما بتوانیم مشکلاتمان را با غرب حل کنیم به دستاوردهای مهمی دست پیدا می‌کنیم.

باز نگاه‌های حساس با قطع مذاکرات به تهران بازمی‌گردد تا برای ادامه روند مذاکرات تهران تصمیم‌گیری شود. این در حالی است که تیمی که محمدجواد ظریف آن را هدایت می‌کرد از خلاقیت و ابتکارات بیشتری برخوردار بود. آیا عدم اختیارات کافی به تیم مذاکره‌کننده ایران یکی از دلایل کند شدن مذاکرات نبوده است؟

تیمی که آقای ظریف مدیریت آن را بر عهده داشت از تجربه و تخصص بیشتری نسبت به تیم فعلی برخوردار بودند و به خوبی فضای مذاکرات بین‌المللی را می‌شناختند. آقای باقری به دلیل نداشتن تجربه کافی مجبور است مرتب به تهران سفر کند و با مشورت‌هایی که در تهران صورت می‌دهد تصمیم‌گیری کند. ظریف به بسیاری از مسائل دست‌نخورده و در نهایت بر اساس این برنامه‌ریزی‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. اگر در آینده توافقی بین ایران و کشورهای غربی صورت بگیرد توافق جدید چه تفاوت‌هایی با برجام سال ۲۰۱۵ خواهد داشت؟

در شرایط کنونی نه ایران در موقعیت سال ۲۰۱۵ قرار دارد و نه آمریکا. اگر قرار است توافقی جامع و کامل صورت بگیرد باید مجموعه عوامل به‌صورت همزمان در نظر گرفته شود. شرایطی که امروز بایدن در آن قرار دارد با شرایط اوپاما متفاوت است. ترامپ با خروج از برجام چماقی را به دست بایدن داده که این چماق برای وی کارآمد است. این در حالی است که چنین چماقی در اختیار اوپاما قرار نداشت. از سوی دیگر نیز ایران به سطحی از غنی‌سازی رسیده که در سال ۲۰۱۵ در این سطح نبود. از نظر داخلی نیز چالش‌هایی که امروز بایدن

در جامعه آمریکا با آن مواجه است با سال ۲۰۱۵ متفاوت است. این وضعیت درباره ایران نیز وجود دارد و اقتصاد ایران با سال ۲۰۱۵ تفاوت‌های معناداری پیدا کرده است. میانگین رشد اقتصادی ایران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ در حدود منفی بوده است و در یک دهه گذشته ایران هیچ رشد اقتصادی نداشته است. آمریکا در سال ۲۰۱۵ در عراق و افغانستان دست بالا را داشتند. این در حالی است که آمریکایی‌ها با وضعیت تأسف باری از افغانستان و عراق خارج شده‌اند. به همین دلیل شرایط آمریکا نیز با گذشته متفاوت شده است. با توجه

به شرایط ذکر شده اگر قرار است توافق جدیدی صورت بگیرد به احتمال زیاد برجام ۲۰۱۵ به یک نوستالژی تبدیل خواهد شد.

یکی از نکات مهم در برجامه تیمیم مذاکره‌کننده ایران عدم اختیارات کافی بوده و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده در دسترس نبود

یکی از نکات مهم در برجامه تیمیم مذاکره‌کننده ایران عدم اختیارات کافی بوده و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده در دسترس نبود

یکی از نکات مهم در برجامه تیمیم مذاکره‌کننده ایران عدم اختیارات کافی بوده و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده در دسترس نبود

یکی از نکات مهم در برجامه تیمیم مذاکره‌کننده ایران عدم اختیارات کافی بوده و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده در دسترس نبود

یکی از نکات مهم در برجامه تیمیم مذاکره‌کننده ایران عدم اختیارات کافی بوده و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده در دسترس نبود

یکی از نکات مهم در برجامه تیمیم مذاکره‌کننده ایران عدم اختیارات کافی بوده و به همین دلیل تیم مذاکره‌کننده در دسترس نبود

گمان می‌رود با

سیاست نگاه به

شرق فضایی به

وجود خواهد آورد

که فشارهای غرب

نسبت به ایران

کاهش پیدا کند. این

در حالی است که

ژئوسی نیز به‌زودی

عازم روسیه خواهد

شد که این سفر نیز

دارای اهمیت زیادی

است. ایران به این

نتیجه رسیده که

باید به سمت شرق

متمایل شد تا هم از

ظرفیت‌های آنها

استفاده کنیم و

هم اینکه امکان

ایستادگی در مقابل

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

غرب فراهم شود

یادداشت

اعتمادسازی نسبت به همسایگان



صبح زنگنه

تحلیلگر مسائل خاورمیانه

موضوع مذاکرات هسته‌ای، موضوع خاص کشور ماست و تلاش‌های قدرت‌های بزرگ خصوصاً آمریکا ایجاد محدودیت در این زمینه بود اما ایران در مذاکرات گذشته توانست حق غنی‌سازی را تثبیت کند. سفر اخیر وزیر امور خارجه به عمان و قطر و اظهارات وزیر امور خارجه مبنی بر مطلع کردن همسایگان از روند مذاکرات مناسب است تا اولاً نقش ایران در منطقه را بیشتر منظر قرار دهند، ثانیاً از این موضوع که ایران هیچ تصمیمی علیه آنها اتخاذ نخواهد کرد، احساس آرامش کنند. طبیعتاً این رویکرد ایران در رویکرد این کشورها هم تأثیرگذار خواهد بود. در دور قبلی مذاکرات از خروج آمریکا از برجام ضربه خوردیم، هر اندازه بتوانیم با کشورهای همسایه و دوستان مان در منطقه به رازینی بپردازیم، کمک خواهیم کرد همسایگان ما هم مسائل خود را با ما در میان بگذارند و از اتخاذ تصمیمات منفی جلوگیری شود. از سوی دیگر ممکن است برخی کشورها از ایجاد شکاف و فاصله میان ایران و همسایگان سوءاستفاده کرده و تفسیرهای خود را به همسایگان القا کنند اما حضور ایران، در این رفت و آمدها و توضیحات و روشنگری از هر گونه سوءاستفاده‌های احتمالی سایرین جلوگیری می‌کند. رژیم صهیونیستی به دنبال این است که کشورهای منطقه را همچنان از ایران برساند و همچنان بر طبل ایران هراسی می‌کوبد، حتی کشورهایی که در حال مذاکره هستند هم ممکن است روند گفت‌وگوها را به شکل دیگری به کشورهای منطقه منکس کنند و آنها را تگران کرده و با در مسیر دیگری بپیازند. در مذاکرات قبلی عربستان به طور جدی به دنبال برهم‌زدن آن مذاکرات بود و حتی وزیر خارجه این کشور به وین رفت و تلاش کرد تا کشورهای مذاکره‌کننده را از گفت‌وگو و توافق با ایران منصرف کند. موضوعاتی بسیاری را ما با همسایگانمان در منطقه مرتبط می‌کنند. اینکه چگونه با کشورهای غربی سخن می‌گوییم و رابطه‌مان را با آنها تنظیم می‌کنیم، تنها یکی از موضوعات است اما دهها موضوع دیگر هم داریم که باید با کشورهای منطقه بنشینیم و چشم‌اندازهایمان را به بحث بگذاریم. ما مانند مسافران کشتی هستیم، اگر در این مسیر همکاری نکنیم و سیاست‌ها متعارض باشد نه تنها در روند حرکت این کشتی تأثیرات منفی می‌گذارد، بلکه می‌تواند مخرب هم باشد. بنابراین ایجاد هماهنگی و همکاری می‌تواند از تفرق و حرکت در جهت‌های متضاد جلوگیری کند. موضوعات اقتصادی، زیست محیطی، مبارزه با تهدیدها و خطرها، همچنین مسائلی در ارتباط با چالش‌های پیش‌روی منطقه و موضوع پیشبرد مسائل علمی و کمک به توسعه بکندیکر را داریم که باید درباره آنها صحبت کنیم، همچنین موضوع حفظ امنیت‌ها و خطوط مرزی را داریم که باید در کل حقیقت‌مورد احترام قرار گیرد. بنابراین غیر از بحث هسته‌ای، مسائل فراوان داریم که باید مورد توجه قرار گیرد. لذا باید با گفت‌وگو و تعامل از تجزیه‌ها و تفرقه‌ها جلوگیری کنیم. باید چشم‌اندازمان از آینده را برای کشورهای منطقه تسهیم کرده و از چشم‌اندازهایی که آنها قائل هستند، هم مطلع کنیم. بعد باید دید این دو چشم‌انداز چگونه به یکدیگر می‌رسند، آیا موجب تخریب یا تقویت یا ایجاد رقابت منفی می‌شوند و یا موجب تجمع انرژی‌ها، اندیشه‌ها و توان‌ها به نفع منطقه کل منطقه است. اینها سیاست‌هایی است که باید مورد توجه و بحث قرار گیرد. کشورهایی هم که دنبال ایجاد اختلاف و تنش هستند اگر به این رویکردهای مثبت عمل کنند، به نفع آنها خواهد بود و نتیجه برد-برد عادلانه خواهد شد.

دیدگاه

حراج جایزه نوبل

ادامه از صفحه یک / جایزه مردم‌داری و حمایت از اهداف ملت‌ها به جای اطاعت از دولت‌ها لایه‌های آشکار و نهان وابسته به آن‌ها بود. اما متأسفانه در مسیر اهدافی این جایزه از رشتند در برخی از مقاطع زمانی اهدافی این نیز دستخوش فراز و نشیب‌های متعدد گردیدند و باعث شده تا نتخمان و متفکران بدون توجه به ملیت و استدلال‌های سیاسی آن‌ها به ماهیت تعیین و اهدا مشکوک شوند. متأسفانه نفوذ لایه‌های آشکار و فراموسن‌های نهان در تبیین اینگونه افراد به وفاداری آن‌ها و تقیدشان به اهداف جهانی در بین نامزدهای نوبل کسانی را بر می‌گزینند که وابستگی عمیق‌تر و استوارتر به اهداف آن‌ها دارند. برندگان جایزه نوبل و کاندیدای دریافت آن می‌توان به نکاتی اشاره کرد. دریک مورد جایزه صلح نوبل به یک خانم وکیل داده شد که همه دست‌اندرکاران حقوق کفیری در این انتخاب متعجب شدند. در اوج ظلم به مظلومان فلسطینی در زندان‌های رژیم ستمگر صهیونیسم و شکنجه و آزار زنان و کودکان بی‌گناه صدا و اعتراضی از مدافعان خیالی انسان‌ها برخاست. معلوم نیست این حامیان مظلومان در هنگام آوازی انسان‌های جنوب لبنان کجا بودند؟ اما هنگام اهدای جایزه صلح نوبل ناگهان فرشتگان زمینی به کمک آن‌ها شتافتند. هیچ‌کس از بنیان و داوران این نمایش‌های آزار دهنده نرسید که خبرنگار هوجی صدای آمریکا که با سفر نوبل اهمیت زیادی کاذب خود را قربانی مظلوم قلمداد کرده و در یک خیمه ریایش‌وون جلوگیری کند. با یک قصه نجس محاکات دزدیده شدن خودش را رسانه‌ای کرد. هیچ‌کس از وی نپرسید ارزش سیاسی و فرهنگی او چه جایگاهی در رایش داشته است؟ با این حساب صاحبخانه قبلی من نیز پندیدیم نمود که اگر خاتمان را نخرم مرا خواهد بود! و اینکه همه شما شاهد باشید که چه خطری مآرته‌دید می‌کنند به همین مناسبت لازم است یاران و دوستان ما در خواست از دبیرخانه نوبل جایزه نوبل تلای آینده را به اینجانب اختصاص دهند. شاید این امتیاز نصیب منطقه اهر و زنجان گشته و فردی از این نواحی به افتخار دریافت نوبل خدمت نایل آید!